

بازپرگر

منیر بهریزی مقدم



بهار ۱۳۹۹

نشر شادان



انتشارات شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی

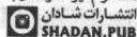
دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی،

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۴۱۰۲۰ - ۸۸۲۶۷۲۹۸

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.com

در اینستاگرام نیز همراهان باشید



بازریگر

نویسنده: منیر مهریزی مقدم

نوبت چاپ: اول - بهار ۳۹۹

شابک: ۹۵-۴-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

کتابخانه ملی: ۶۰۳۲۵۳۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۹۰۰۰۰ ریال

مهریزی مقدم، منیر

بازریگر - نویسنده: منیر مهریزی مقدم /

تهران: شادان، ۱۳۹۸، ۵۱۵ صفحه /
(رمان ۱۲۶۴)

شابک: ۹۵-۴-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸
ISBN: 978-600-7368-95-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴

PIR ۸۲۲۳

۱۳۹۸

کتابخانه ملی ایران

۸۶۳، ۶۲

۶۰۳۲۵۳۴

یادآوری: کپی‌سازی این اثر متعلق
به انتشارات شادان می‌باشد. هر گونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتاب‌های شادان برای قرار
دادن در سایت‌های مختلف - به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

عشق‌های پنهان شده...

از چهره پا به سن گذاشته‌اش پیدا بود که در جوانی زنی زیبا و مورد توجه بوده است. عکس‌هایش نیز گواهی شد بر این حدس که بسیار زیبا بوده است. وقتی صحبتش به پایان رسید فهمیدم که در نوجوانی، عاشق پسر جوان و تحصیل کرده‌ای شده ولی هیچگاه این عشق را بر زبان نیاورده است. حتی با آدم متشخص و سن و سال‌داری ازدواج می‌کند. و چندین فرزند هم به دنیا می‌آورد، اما هیچگاه عاشق شوهرش نمی‌شود و آن عشق جوانی را چون گنجینه‌ای در دل پنهان می‌کند.

کاش می‌شد فهمید که در این دنیا چقدر عشق‌های ناگفته و پنهان مانده شکل گرفتند و نطفه باقی مانده است؟ عشق‌های یک طرفه در دل مانده یا حتی عشق دو سویه‌ای که هر دو نفر در دل پنهان کردند و فقط به این دلیل که گفتنش را دیگران جایز نمی‌دانسته‌اند کسانی که عشق را همچون زن زیباروی بالا پنهان کرده و فقط در خیال خویش عاشق مانده‌اند.

شاید این اتفاق در جامعه‌ای که رسم بر پا پیش گذاشتن زنان نیست (یا قبلاً نبود!) بسیار رخ دهد، جامعه‌ای که بیان و ابراز عشق را از زبان زنان نادرست می‌داند (اگر چه در داستان‌های کهن و حتی روایات دینی هم مثال نقض آن را داریم). زن باید منتظر شود تا انتخابش کنند و خودش حق انتخاب ندارد. حداکثر شاید



از رفتار و ایما و اشاره‌اش بتوان حدس زد که چه حسی نسبت به دیگری دارد! صحبتیم بر سر زنانه و مردانه کردن موضوع نیست هر چند شرایط برای زنان کمی بهتر شده است ولی واقعیت آن است که عشق برای بیشتر ما سالهاست مثل رازهای مگو مانده است و انگار بیانش جرمی نابخشودنی است. یکی عاشق می‌شود و عشق را در دل نگه می‌دارد و تا سالهای سال همچون گنجی پنهان فقط در خلوت خویش از آن عشق حس خوب و خوشایند می‌گیرد و یکی دیگر حتی در خیال خویش نیز به خودش اجازه فکر کردن نمی‌دهد. مثل زن مسنِ داستانی ما که هنوز وقتی از خاطرات شصت هفتاد سال قبل خود می‌گفت چشمانش برقی تازه می‌یافت. انگار همین الان دخترک نوجوانی است که جوان همسایه‌بان را دیده و دلش لرزیده است. شاید این تنها خاطره خوش او از عشق بوده که تمام عمر با خود حمل کرده است.

قصه‌گوی ما امروز با سمان را ایتیمی جذابش برای مخاطب، از قدیم‌ترها شروع کرده و از عشقی گفته است که عوالب آن تا امروز ادامه داشته است. داستان به امروز و موضوعات مختلفی می‌رسد که در کنار آن همین عشق‌های دردل مانده را نیز دارد اما روند وقایع در داستان راتر از این موضوع است. به هر حال اطمینان دارم که مخاطب همیشگی او این اثر را نیز خواهد پسندید و همراه با نویسنده و قهرمانش تب و تاب آگاهی و دنبال کردن مذاقات را خواهد داشت.

همراهش شوید و از قصه‌گویی او لذت ببرید.

بهمن رحیمی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ - تهران

لعل لعل